

منافع ایران در صورت تثبیت رژیم حقوقی کنونی دریاچه مازندران

سرویس خزر/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران / سرویس خزر :
سعید ملک زاده

1- رژیم حقوقی دریاچه ها یا دریاها ی بسته: (نمونه های بین المللی موجود)

طبق حقوق بین الملل عمومی و کنوانسیون حقوق دریاها، رژیم حقوقی دریاچه ها یا دریاها ی بسته ای که دارای دویا چند دولت ساحلی هستند، توسط عهدنامه های دو جانبه یا چند جانبه ای که ما بین دولت های ساحلی منعقد می گردد، تعیین می شود و مهمترین اصل و عرف شناخته شده توافق دولت های ساحلی براساس «اصل اتفاق آرا» می باشد. به عنوان مثال دریاچه ژنو که بین فرانسه و سوئیس واقع شده طبق معاهده 1816 و دریاچه های پنج گانه بین آمریکا و کانادا براساس معاهدات مختلف و دریاچه لادوگا که سابقاً بین فنلاند و شوروی واقع بود براساس معاهده 1920 منعقد بین شوروی و فنلاند اداره می شوند. اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان حقوق بین الملل در این خصوص اتفاق نظر دارند.

2- رژیم حقوقی فعلی دریاچه مازندران: (پاسخ به کسانی که وجود هر گونه سندی را انکار می نمایند)

تاریخ گذشته دریاچه مازندران بیانگر این واقعیت است که پس از تثبیت قلمرو حاکمیت دولت های ایران و روس تا امتداد سواحل آن، همواره بین دو کشور مشترک بوده است. در جریان دو جنگ ایران و روس که منجر به پیروزی روس ها و اشغال هفده شهر قفقاز گردید، دولت روس با تحمیل معاهدات گلستان و ترکمنچای در سالهای 1813 و 1828 میلادی علاوه بر تزییقات دیگر، ایران را از حضور نظامی در دریاچه مازندران منع کرد. پس از انقلاب اکتبر 1917، زمامداران بلشویک به عنوان یک حرکت انقلابی و به منظور تحکیم پایه های حکومت نوپای سوسیالیستی و حصول اطمینان از عدم نفوذ نیروهای مخالف از طریق مرزهای کشورهای همسایه مبادرت به لغو قراردادهای استعماری گذشته نموده که ثمره آن برای ما انعقاد عهدنامه مودت 1921 بود. انقلاب روسیه یا به قول شادروان ملک الشعراء بهار «معجزه سیاسی» در لحظاتی حساس و بحرانی که ارتش روسیه تزاری تا چند کیلومتری پایتخت پیش آمده و سپاه عثمانی قصد حمله به تهران را داشت به وقوع پیوست و دستگاه جنگی روس در ایران از کار افتاد و حکومت مشروطه جوان ایران از فشار طاقت فرسا و مزاحمت های روز افزون اشغالگران روسی آسوده شد و چند سال بعد پس از زحمات بسیار و پی گیریهای مجدانه مشاور الممالک، قرارداد مودت و دوستی در هشتم اسفند ماه 1299 هجری شمسی مطابق با 26 فوریه 1921 درمسکو به امضاء رسید.

این عهد نامه نکات جالبی در زمینه احقاق حقوق ایران (بجز شهرهای از دست رفته) در برداشته است. به موجب قسمتی از فصل اول عهدنامه، دولت شوروی تمام معاهدات و مقاولات و قراردادهایی را که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تزییع می نمود، ملغی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلان می نماید.

به موجب قسمتی از فصل دوم عهدنامه، کلیه معاهدات و قراردادهایی را که دولت سابق روسیه با ممالک ثالثی به ضرر ایران منعقد نموده ملغی و از درجه اعتبار ساقط می داند. به موجب قسمتی از فصل سوم عهدنامه، طرفین معظمین متعهدتین با حقوق مساوی از رودخانه اترک و سایر رودخانه ها و آب های سرحدی بهره مند خواهند شد. به موجب فصل یازدهم، عهدنامه ترکمن چای را که حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب نموده، از درجه اعتبار ساقط دانسته، طرفین رضایت می دهند که از زمان امضاء این معاهده هر دو باسویه حق کشتیرانی آزاد در زیر بیرق های خود در بحر خزر را داشته باشند. عهدنامه 1921 به طور آشکار بر «حقوق مساوی» طرفین تاکید نموده است. بعضی از نویسندگان مرقوم فرموده اند که عهدنامه 1921 بر حقوق مساوی طرفین با تصریح بر امر کشتیرانی تاکید نموده است. حال آنکه این تصریح منحصر به موضوع کشتیرانی نیست، بلکه هر کجا که قبلاً حقوقی از ایران تزییع گردیده، عهدنامه صراحتاً به حقوق مساوی تاکید نموده است. به عنوان مثال همان طوری که قبلاً اشاره شد در فصل سوم عهدنامه آمده است، طرفین با حقوق مساوی از رودخانه اترک و سایر رودخانه ها و آبهای سرحدی بهره مند خواهند شد. در فصل دوازدهم تصریح می گردد علاوه برآنچه در فصول 9 و 10 ذکر گردیده، سایر امتیازات که دولت سابق تزاری عنفاً برای خود و اتباع خود از دولت ایران گرفته بود از درجه اعتبار ساقط می شود.

قرارداد 1921 که راه را برای انعقاد قراردادهای بعدی به خصوص قرارداد بازرگانی و بحر پیمائی 1940 هموار ساخته در حقیقت نقطه آغاز مجددی است در نگرش حقوقی به دریاچه مازندران براساس دو اصل «انصاف» و «تساوی».

چرا نقطه آغاز مجدد؟ زیرا عهدنامه 1921 در حقیقت بازگشت رژیم حقوقی حاکم بر دریاچه مازندران به وضعیت قبل از عهدنامه های گلستان و ترکمنچای می باشد اگر چه طرفین قبلاً هیچگونه قراردادی در این خصوص امضاء نموده اند، لیکن تاریخ گذشته دریاچه مازندران بیانگر این واقعیت است که همواره بین دو کشور مشترک و مساوی بوده است. برای اثبات این امر به مراسله شماره 1787 مورخه 26 ایون 1919 کمیسر ملی امور خارجه روسیه به رئیس الوزراء ایران استناد می گردد. در قسمتی از این نامه آمده است: در تکمیل اصول مندرجه در این مراسله مبنی برالغاء ابدی تمام عهود و قراردادهای که دولت روسیه عنفاً به ایران تحمیل نموده یا اینکه با اصل استقلال و مصونیت ایران مخالفت داشته ویا اینکه آزادی در ترقی و انجام منظور ملت ایران را در اراضی متصرفه و دریاها ی مجاور خود محدود ویا تزییع نموده است کاملاً حاضر است برای انعقاد و عهود جدیده داخل مذاکره شود. لازم به یادآوری است که این مراسله دو سال قبل از انعقاد عهدنامه 1921 انجام شده است.

نتیجه اینکه قبلاً دریاچه مازندران و یا به عبارت مندرج در این مراسله «دریاها ی مجاور» حقوق و آزادیهای وجود داشته که به موجب عهدنامه های قبلی محدود ویا تزییع گردیده است ویا همانطوریکه قبلاً اشاره شد در قسمتی از فصل یازدهم عهدنامه 1921 آمده است که طرفین رضایت می دهند که از زمان امضاء این معاهده هر دو باسویه حق کشتیرانی آزاد را در زیر بیرقهای خود در بحر خزر داشته باشند. ایران به استناد کدام حق چنین رضایتی می دهد؟ در عهدنامه های گلستان و ترکمنچای که حقوقی برای ایران متصور نیست مسلماً این حق و حقوق برمی گردد به رژیم حقوقی بر دریاچه قبل از عهد نامه های تحمیلی گلستان و ترکمنچای.

علاوه برعهد نامه مودت 1921، در تاریخ پنجم فروردین ماه 1319 هجری شمسی مطابق با 25 مارس 1940 قرارداد دیگری با نام قرارداد بازرگانی و بحر پیمائی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در تهران به امضاء رسید. این قرارداد نیز دیدگاه های کلی ایران و شوروی را براساس اصل «تساوی حقوق» در مورد حضور مشترک و با حقوق مساوی در دریاچه مازندران ارائه داده است.

مواد 12 و 13 قرارداد 1940 حق کشتیرانی آزاد را برای طرفین در کلیه دریاچه تاکید نموده و تصریح شده است با کشتی های هر یک از طرفین در بنادر طرف دیگر از هر حیث مانند کشتی های خودی رفتار می شود.

اصل «برابری رفتار» و «شرایط یکسان» را در تمامی زمینه ها اعم از تردد کشتی ها، پذیرش در بنادر، اخذ عوارض، حق کابوتاز و بهره مندی از مزایای دیگر برای کشتی های طرفین رعایت کرده است و طرفین موافقت نموده اند که در تمامی دریاچه کشتیهای بجز کشتیهای متعلق به ایران یا اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یا متعلق به اتباع و دستگاه های

بازرگانی و حمل و نقل کشوری یکی از طرفین متعاهدتین که زیر پرچم ایران یا پرچم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سیر می نمایند نمی توانند وجود داشته باشند. از لحاظ ماهیگیری صرفنظر از یک نوار ده مایلی ساحلی که به طور انحصاری (از لحاظ ماهیگیری) به کشور ساحلی تعلق دارد، صید ماهی در سرتاسر بقیه دریاچه برای هر دو کشور آزاد است.

در قرارداد 1940 نیز اصل «تساوی حقوق» و اصل «انصاف» پایه های اساسی و ارکان مهم ساختار حقوقی آن را تشکیل می دهند.

اگر سوال شود که چرا این عهد نامه ها حول دو محور کشتیرانی و ماهیگیری تاکید نموده اند؟ پاسخ داده خواهد شد:

اولاً در زمان انعقاد عهدنامه های مورد بحث نمونه های بارز حقوق متصوره در دریاچه، کشتیرانی و ماهیگیری بوده است و هنوز منابع و ذخایر دیگر به ویژه نفت و گاز کشف نشده بوده.

ثانیاً روح کلی حاکم بر عهد نامه ها، مشاع و مشترك بودن دریاچه را با حقوق مساوی مشخص می نماید و می توان اصولی را که در خصوص کشتیرانی و ماهیگیری پیش بینی شده به سایر موارد نیز تسری داد.

برای اثبات این امر می توان اسناد دیگری نیز ارائه نمود از جمله:

فصل هفتم عهد نامه مودت 1921، حقوق يك طرفه ای را به سود شوروی تحمیل می نماید مبنی بر اینکه اگر جزو افراد بحریه ایران اتباع دولت ثالثی باشند که از بودن خود در

بحریه ایران برای تعقیب مقاصد خصمانه نسبت به روسیه استفاده نمایند. دولت شوروی روسیه حق خواهد داشت که انفصال عناصر مضره مزبور را از دولت ایران بخواهد.

این فصل باعث می شود که بین وزیر امور خارجه ایران و سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی در ایران مکاتباتی رسمی انجام شود. پاسخ سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی به تاریخ

25 مارس 1940 بدین شرح است:

«نظر به اینکه دریای خزر که طرفین متعاهدتین آن را دریای ایران و شوروی می دانند برای طرفین دارای اهمیت خاصی می باشد موافقت حاصل است که دولتین اقدامات لازمه را به عمل خواهند آورد تا از اتباع کشورهای ثالث که در کشتیهای طرفین متعاهدتین و در بندرهای واقع در دریای خزر مشغول خدمت محوله به آنها باشد، استفاده ننمایند. از این سند دو نتیجه حاصل می شود. یکی اینکه دریاچه مازندران «دریای ایران و شوروی است». بعضی ها تصور کرده اند که نام این دریاچه «دریای ایران و شوروی» است باید دقت شود که تاکید گردیده «طرفین آن را دریای ایران و شوروی می دانند» نه اینکه «آن را دریای ایران و شوروی می خوانند».

نتیجه دیگر اینکه طرفین در همه موارد از حقوق مساوی برخوردار هستند.

سند دیگری که کمتر مورد استفاده قرار گرفته مراسله کمیسر ملی خارجه اتحاد جماهیر شوروی است که در خصوص تسلیم بندر انزلی در تاریخ اول اکتبر 1927 مکاتبه شده است.

این نامه نسبتاً مفصل در 9 بند تنظیم گردیده و در بند 2 آن آمده است: همچنین دولت اتحاد جماهیر شوروی از دولت علیه ایران خواهش می کند که منفعت مشترك را که بحر

خزر منحصراً دریای ایران و شوروی باشد در نظر گرفته و در مدت 25 سال جزو مستخدمین بندر از اتباع غیر ایرانی نداشته باشد.

این سند به صراحت دریاچه مازندران را «منفعت مشترك انحصاری ایران و شوروی» می داند.

از همه اینها مهمتر، همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، فصل سوم عهدنامه مودت 1921 است. در قسمتی از این فصل چنین آمده که طرفین با حقوق مساوی از رودخانه اترک و سایر

رودخانه و آبهای سرحدی بهره مند خواهند شد.

اولاً، حقوق مساوی همه انواع حقوق را شامل می شود.

ثانیاً منظور از آبهای سرحدی چیست؟ وقتی رودخانه اترک و سایر رودخانه ها را کنار بگذاریم، بین ایران و شوروی چه آب دیگری بجز دریاچه مازندران باقی می ماند که مورد بحث

قرار گیرد. نتیجه اینکه منظور از آبهای سرحدی در این فصل «دریاچه مازندران» است. با عنایت به اینکه در قراردادها هیچ کلمه و هیچ عبارتی رانباید بیهوده یا تکراری تصور نمود،

عبارت «آبهای سرحدی» بعد از ذکر رودخانه اترک و سایر رودخانه ها، باید معنای خاص خود را داشته باشد. اگر چه متاسفانه کمیسیون متشکله پیش بینی شده در فصل سوم

عهدنامه فقط به رودخانه های مرزی پرداخته است، 36 سال بعد در قرارداد راجع به انتظامات مرزی که در تاریخ 24 اردیبهشت 1336 برابر با 14 مه 1957 در مسکو به امضاء رسیده

(در ماده هفتم قرارداد)، آبهای سرحدی تعریف شده و مشخص گردیده که این تعریف فقط ناظر به همان قرارداد است. این تعریف يك نکته مهم را به اثبات می رساند و آن اینکه

لااقل تاتاریخ انعقاد این قرارداد تعریف مشخصی از آبهای سرحدی بین طرفین وجود نداشته است.

تا این جای بحث، از مجموع مدارک و اسناد ارائه شده این نتیجه حاصل می شود که دریاچه مازندران دارای رژیم حقوقی مدون و مشخص بوده و طرفین یعنی جمهوری اسلامی

ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق با حقوق مساوی، مشترك و مشاع در تمامی منابع و حقوق متصوره اعم از سطح دریاچه، منابع آبی، بستر و زیر بستر آن ذیحق بوده اند البته با

رعایت حق انحصاری ده مایل ساحلی آنهم فقط برای ماهیگیری.

از این نتیجه گیری، نتیجه دیگری نیز به دست می آید که عبارت «تعیین رژیم حقوقی دریاچه مازندران» عبارت صحیحی نیست و این مفهوم را دارد که دریاچه مازندران فاقد رژیم

حقوقی می باشد لذا پیشنهاد می شود از عباراتی نظیر «تکمیل رژیم حقوقی» و یا «تحکیم رژیم حقوقی» یا عباراتی مناسبتر استفاده شود.

3- پس از فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی چه اتفاقی افتاده است؟

آیا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی می تواند حقوق حقه جمهوری اسلامی ایران را در دریاچه مازندران تضییع کند؟ قبل از فرو پاشی 1991، ایران و شوروی تنها دولت های ساحلی

بودند با رژیم حقوقی مشخص و معین و بجز ده مایل ساحلی انحصاری ماهیگیری 50 درصد همه دریاچه با همه حقوق متصوره به طور مشاع و مشترك و با حقوق مساوی به ایران

تعلق داشت اگرچه در سایه تساهل و تحمل از این حقوق به طور کامل استفاده نمی شد.

بعد از فروپاشی، این سوال مطرح می شود که آیا دولتهای جدید طبق اصل «جانمایی دول» در حقوق بین الملل، وارث نظام حقوقی موجود هستند و آیا قراردادهای

1921 و 1940 بین ایران و شوروی تعهدات مشابهی را برای دولتهای جدید به وجود آورده است یا خیر؟

لزوم پای بندی جمهوری های جدید به مفاد معاهدات 1921 و 1940 و احترام به رژیم حقوقی موجود، نه تنها ناشی از

اصول حقوقی بین الملل عمومی می باشد، بلکه رسماً نیز توسط آنها در بیانیه آلمانی مورخ 21 دسامبر 1991 مورد تایید

و تاکید قرار گرفته است و کلیه دولتهای مستقل مشترك المنافع اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای شوروی سابق را تضمین

کرده اند و مستنداً به سند شماره A/49/475 مورخ اکتبر 1994 و نظریه رسمی فدراسیون روسیه به عنوان جانشین شوروی

سابق، جمهوری های جدید ساحلی دریاچه مازندران نیز باید معاهدات 1921 و 1940 را بپذیرند. ولی متاسفانه جمهوری

های جدید علیرغم تعهدات رسمی و برخلاف تمام موازین حقوق بین الملل، خود را نسبت به رژیم حقوقی موجود

و معاهدات ایران و شوروی متعهد نمی دانند و با انعقاد قراردادهائی با شرکتهای نفتی مفاد معاهدات 1921 و 1940 را نقض

کرده اند.

4- افزایش منطقه انحصاری & اقتصادی به نفع ما نیست:

بعضی ها به افزایش منطقه انحصاری & اقتصادی از ده مایل به 15 یا 40 یا 50 مایل اشاره کرده اند. که به هیچ وجه به نفع ما نیست زیرا اولاً حق انحصاری ماهیگیری به

سایر حقوق نیز تسری خواهد یافت.

ثانیاً & فرض کنید يك کیلومتر به ده مایل فعلی اضافه شود. به اندازه طول سواحل ما ضرب در يك کیلومتر 804 & 1=804 کیلومتر مربع به منطقه انحصاری ما

اضافه خواهد شد ولی در عوض به اندازه بقیه کرانه دریاچه ضرب در يك كيلومتر یعنی $5230 \times 1 = 5230$ كيلومتر مربع که 50 درصد آن مشاعاً متعلق به ماست، از حق ما کاسته خواهد شد. واگر این منطقه به 50 مایل افزایش یابد به نوعی همان تقسیم دریاچه را نتیجه خواهد داد.

5- اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال:

پاسخ ما به کسانی که با استناد به اصل «تغییر فاحش اوضاع و احوال» سعی در فسخ قراردادهای قبلی ونفی رژیم حقوقی موجود دارند این است که: اولاً، اصل «تغییر فاحش اوضاع و احوال» شامل قراردادهای مرزی از جمله آبهای مشترک داخلی نمی شود واز طرفی آثار این اصل ناظر به منطقه قبلی آنها است نه کشورهای همسایه.

ثانیاً، نظام حقوقی مشترک، در خصوص دریاچه های مشترک از سوی کشورها پذیرفته شده و آرای صادره از دیوان بین المللی دادگستری نیز آن را تایید نموده است. ثالثاً- جمهوری اسلامی ایران در فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی چه نقشی داشته است که باید طبق اصل «تغییر فاحش اوضاع و احوال» حق مسلم ما از يك دوم به يك پنجم تقلیل یابد و چنانچه در آینده هر يك از جمهوری ها فرضاً به دو قسمت تقسیم شوند باز هم به استناد همین اصل حق ما به يك نهم تقلیل خواهد یافت؟! ویا برعکس اگر جمهوری ها مجدداً یکی شوند آیا خواهند گفت به استناد اصل «تغییر فاحش اوضاع و احوال» حق جمهوری اسلامی ایران به همان يك دوم قبلی برگردد؟

6- خط فرضی و موهوم آستارا - خلیج حسینقلی:

بعضی ها سعی می کنند خط موهوم و فرضی آستارا و خلیج حسینقلی را که مستقیماً محل تلاقی مرز زمینی دو کشور در طرفین دریاچه بوده است به عنوان مرز آبی ایران و اتحاد شوروی سابق معرفی نمایند و متأسفانه موافقت نامه هوایی 1964 میان دو کشور که صرفاً برای تعیین «محدوده منطقه اطلاعات پروازی» (flight information region) که از این خط فرضی استفاده نموده، این توهم و این تصور و این ادعای واهی و اشتباه را تشدید نموده است حال آنکه این موافقت نامه فقط برای تعیین محدوده منطقه اطلاعات پرواز بوده و حتی به مسئله پرواز برفراز دریاچه مازندران نیز اشاره ای ننموده است. نه تنها در هیچ يك از قراردادهای، معاهدات و پروتکل های منعقد شده به مرز آبی بین دو کشور اشاره نشده بلکه در موافقت نامه مسائل مرزی و مالی ایران و شوروی که در یازدهم آذر ماه 1333 مطابق با دوم دسامبر 1954 منعقد گردیده و همچنین در پروتکل های مربوطه، مرز ایران و شوروی از منتهی الیه غربی محل تلاقی مرزهای دولتی ایران، شوروی و ترکیه در نقطه التقای رود ارس با رود قره سوی سفلی، قدم به قدم مشخص و معین گردیده و به دریاچه مازندران ختم شده است و مجدداً از منتهی الیه شرقی محل تلاقی مرزهای ایران، شوروی و افغانستان شروع شده و به دریاچه مازندران ختم شده و به هیچ وجه به مرز آبی بین دو کشور اشاره ای نشده است.

7- گفته شده است با توجه به طول ساحل چگونه ممکن است 50 درصد از دریاچه به جمهوری اسلامی ایران تعلق داشته باشد.

ما نمی گوئیم دریاچه باید تقسیم شود زیرا حقوق برابر ما، مغایر با قاعده تقسیم است بلکه ثابت کردیم جمهوری اسلامی ایران در تمامی دریاچه مازندران از جنوب تا شمال واز شرق تا غرب با سهم 50 درصد و به صورت مشترک و مشاع سهم است البته با احترام به حق انحصاری ماهیگیری در ده مایل ساحلی و راه عملی آن این است که يك نهاد منطقه ای تشکیل شود جهت همکاری، هماهنگی، سیاستگذاری و بهره برداری مشاع و مشترک از تمامی منابع دریاچه به نسبت 50 درصد برای جمهوری اسلامی ایران و 50 درصد برای جمهوری های قائم مقام و وارث شوروی سابق. تشکیل یک چنین نهاد منطقه ای در دریاچه مازندران در خصوص بهره برداری مشترک از ماهیگیری سابقه داشته است.

8- چند پیشنهاد

- (1) تأکید بر دو اصل «انصاف» و «تساوی» در حقوق مشترک طبق قراردادهای موجود.
- (2) پافشاری روی 50 درصد حقوق مشترک، مساوی و مشاع خود.
- (3) موافقت نمودن با افزایش عرض منطقه انحصاری ده مایلی موجود.
- (4) تأکید بر اینکه حقوق انحصاری نوار ده مایلی ساحلی فقط مربوط است به ماهیگیری و نه غیر آن.
- (5) خود داری از بکار بردن عبارت «تعیین رژیم حقوقی دریاچه مازندران» و استفاده از عباراتی نظیر «تکمیل و تحکیم رژیم حقوقی».
- (6) اقدام لازم در جهت احقاق حق و دریافت سهم خود به میزان 50 درصد از برداشت های يك طرفه اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری های جدید از منابع انرژی دریاچه مازندران.
- (7) سعی در تشکیل يك نهاد منطقه ای جهت همکاری، هماهنگی، سیاستگذاری و بهره برداری مشاع و مشترک از منابع دریاچه مازندران به نسبت 50 درصد برای جمهوری اسلامی ایران و 50 درصد برای جمهوری های قائم مقام و وارث شوروی سابق.
- (8) مخالفت جدی با احداث خط لوله از بستر دریاچه به دلایل زیست محیطی.
- (9) تلاش در جهت تعیین مسئولیت کشورهای ساحلی در قبال خسارات وارده به محیط زیست.
- (10) تلاش در جهت غیر نظامی کردن دریاچه.
- (11) تلاش در جهت جلوگیری از تردد کشتیهای بیگانه به استناد ماده 13 قرارداد 1940.
- (12) ترسیم تمام دریاچه مازندران به طور کامل جزء نقشه جمهوری اسلامی ایران و کتابهای درسی و نقشه های رسمی.

پایان پیام.